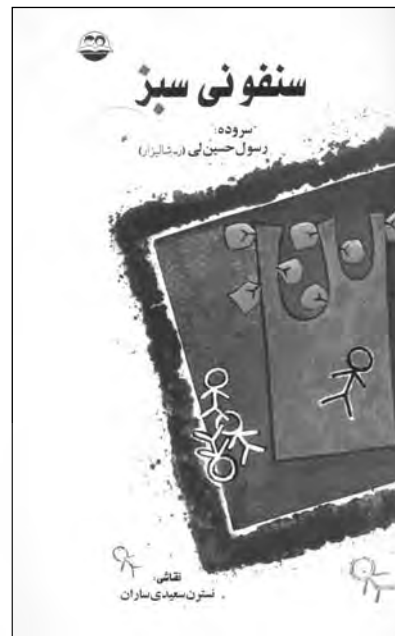


# درودی درخور درختان

عنوان کتاب: سنگفونی سبز  
 سروده: رسول حسین لی (ر - شالیزار)  
 نقاشی: نسترن سعیدی ساران  
 ناشر: کتاب‌های شکوفه (امیرکبیر)  
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳  
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
 تعداد صفحات: ۲۴ صفحه  
 بها: ۳۵۰ تومان

○ مهروش طهوری



## افراها

پرچم سبزشان را برافراشته‌اند

راش‌ها

ناخدایان بلند قامت کوهسار

چشم به دور دست زمین دوخته‌اند

توسکاها

با پاروهای سبز از درون مه پدیدار می‌شوند

و بلوط و نارون

شبنم اشک از دیدگان‌شان می‌سترنند

تا صبحگاهان

ستارگانی را که در آسمان شب درخشیده‌اند

در هیأت خورشیدی یکدست و تابناک

تماشا کنند

متبرک باد

بامدادی که این گونه بر ایران زمین آغاز

می‌شود

بیرون می‌آیند اجزای شعری را تشکیل می‌دهند که قرار است نام ایران زمین را «حسن مقطع» خود سازد.

این اندازه دقت برای گزینش نخستین شعر یک کتابچه - که توأمان ستایش آب و صبح و طبیعت و ایران و بیان‌کننده ارتباطی تنگاتنگ بین آن‌هاست - به خودی خود سزاوار تقدیر به نظر می‌رسد.

در این شعر، بدون این که نامی از دریا به میان آید، به یاری کلماتی چون پرچم، ناخدا، پارو و... فضایی ساخته می‌شود که یادآور دریا و دریانوردی است و از آن جا که استفاده از دریا و جنگل، به دلیل همجواری‌شان در شمال کشور ما، شاید مراعات‌النظیری امروزی به حساب آید، استفاده از واژگان مرتبط با یکی از آن‌ها برای توصیف دیگری، بسیار هنرمندانه است.

با این مقدمه که خود نقداً یکی از شعرهای سنگفونی سبز می‌تواند باشد، به سراغ بررسی کل مجموعه می‌رویم.

مجموعه مورد بحث ۳۴ شعر را شامل می‌شود که می‌توان تمام آن‌ها را به سبب وحدت حال و هوا و موضوع، یک شعر بلند دانست. هر ۳۴ شعر مجموعه یا به عبارتی، کل شعر بلندی که صحبت آن رفت، در قالب سپید و بسیار به سامان سروده شده است. این مجموعه، حقیقتاً گواه مدعای آنانی به شمار می‌آید که می‌گویند می‌توان در غیاب وزن عروضی و در قالب سپید هم برای نوجوانان شعر گفت؛ نه مجموعه‌هایی

که علاوه بر فقدان جوهر شاعرانگی و دیگر لوازم شعر، وزن نیز ندارند.

حسین لی، زبان فارسی و ظرفیت‌های آن را به خوبی می‌شناسد و علاوه بر اینکه واژگان و عبارات اشعارش را حول محور عمودی گرد هم می‌آورد، با استفاده از خاصیت منسوری کلمات، گروه‌هایی از آنها را نیز با نخ‌هایی نامرئی به یکدیگر می‌دوزد. این شگرد استادانه در ادبیات کلاسیک ما و به تبع آن، در شعر نو، به ویژه در شعر حجم، کاربرد چشمگیری دارد، ولی به ندرت مورد توجه شاعرانی که مخاطب نوجوان دارند، قرار گرفته است.

در نخستین شعر مجموعه که ذکر آن رفت، به خوبی این شگرد جلب نظر می‌کند. موضوع اصلی این شعر، ستایش درختان و یادی از ایران زمین است، ولی به مدد کلماتی که حوزه‌های معنایی و تصویری خاصی را القا می‌کنند، دست کم دو فضای فرعی دیگر (یعنی دریا و بامداد)، در کنار محور اصلی شکل می‌گیرد و به صورت ناخودآگاه، بر ذهن خواننده تأثیر می‌گذارد. البته شعر مورد نظر، به شدت تحت‌تأثیر شعری است که احمد شاملو، در رثای فروغ فرخزاد سروده و حتی شاید کلمه «بامداد»، اشاره‌ای پنهانی به تخلص شاملو داشته باشد که این امر خود از اشراف حسین لی، بر وجوه مختلف کلمه حکایت می‌کند.

موسیقی اشعار حسین لی، در مجموع و با در نظر گرفتن فراز و فرود آن، پخته و غنی است. او شیوه‌های

گوناگون ساختن موسیقی، در غیاب وزن عروضی را می‌داند. به عنوان نمونه، به کاربرد قوافی درونی و کناری، در پاره‌ای از شعر شماره ۶ توجه کنید.

جوجه‌هایم را

از چشم صیادان

از چشم تنگ تفنگ

و سنگ

تو دور می‌داری

موسیقی و هم‌چنین زبان شعر شماره ۱۲ نیز بی‌اغراق، در حد کمال است:

ریشه هایت

سقاهای زمینند

از جیره خود برمی‌گیرند

ریشه به ریشه می‌گردانند،

تا چشمه‌ای را بجوشانند،

تا رودی را به خروش آرند،

تا عطش دریای شور را

به جرعه‌ای زلال

فرو بنشانند

حسین لی، گاه در بافت نرم و همگن زبان خود، به صورت غافلگیرکننده‌ای، از برخی واژگان استفاده می‌کند. مثلاً به شکل نشستن کلمه «عالی جناب»، در شعر شماره ۳ دقت کنید:

سلام می‌گویمت

ای عالی جناب سبز

که نسیم در لهله شادمانه برگ‌های تو پیداست،

و خورشید

از هر روزنی سرک می‌کشد

تا خاک پای تو را بوسه‌ای زند

یا شهامت شاعر را برای استفاده از کلمه «حضرت»، در پاره‌ای از شعر شماره ۴ در نظر بگیرید:

سلام می‌گویمت

ای حضرت درخت

که رفعت خاکی

و سلام سبز زمینی به آسمان

«آرکائیسمی» که در مجموعه سفنونی سبز به چشم می‌خورد، بسیار دلپذیر و ملایم و در شعر نوجوان سرزمین ما بی‌سابقه است.

۲۷

اگر با سگی عتاب کنی

به سوی تو پارس خواهد کرد

چون قلوه سنگی در دست بفشری

پرنده پرواز خواهد کرد

تا دست بر ماشه تفنگ‌داری

بز کوهی خواهد دوید

تنها درخت است

که با هر سلاخی که به سویش روی

معصومانه و نجیب تسلیم می‌شود

حتی در جنگی تمام عیار نیز به اسیران شلیک نمی‌کنند

در مجموعه مذکور، واژگان نسبتاً فراوانی به چشم می‌خورد که پیش از حسین لی، دیگر شاعران نوجوانانه سراه در سروده‌های خویش آن‌ها را به کار نبرده‌اند، اما این به معنای غیرمجاز بودن ورود کلمات غیر روزمره، به شعر نوجوان نیست. اولاً نوجوانان دبیرستانی - که مخاطبان اصلی این مجموعه به حساب می‌آیند - قاعدتاً به مرحله‌ای از بلوغ ادبی و فکری رسیده‌اند که معنای بیشتر این واژگان را بفهمند. ثانیاً اگر معنای آن‌ها را ندانند، به مدد فرهنگ لغات یا یک آشنای باسوادتر، مشکل‌شان را به راحتی حل می‌کنند و چیزی نیز بر معلومات‌شان می‌افزایند. همین افزایش معلومات ادبی نوجوانان، می‌تواند یکی از اهداف فرعی - کاملاً فرعی - پدیدآورندگان کتاب‌های نوجوانانه باشد.

حسین لی، جزو انگشت شمار شاعرانی محسوب می‌شود که شعور و ذوق و سواد نوجوانان را دست کم نگرفته و آنان را به صورت طرح ساده شده یک آدم بزرگ ندیده است. او هم‌چنین، دریافت‌های به شدت درونی شده و کشف‌های عاطفی خود را بی‌هیچ تکلف و تحمیلی، به شعر درآورده و التزامی حقیقی، نیروی محرکه‌اش بوده است. دلنشینی اشعار حسین لی، از همین اکسیر حاصل می‌شود که چیز دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

۱۷

بی تو پاییزی در کار نیست

تنها با یک برگ ارغوانی

می‌توان دریافت

که پاییز از راه رسیده است

تنها یک برگ

باد عبوس را به وجد خواهد آورد

تنها یک برگ کافی است

تا در شناسنامه باد نوشته شود:

این باد، پاییزی است

در مجموعه سفنونی سبز، شاعر، صلح را همراه با طبیعت ستوده و اساساً برای او ستایش از درخت و طبیعت، عین ستایش از صلح است. هر جا که به طور مستقیم ذکری از صلح نمی‌رود، این مضمون به صورت ضمنی بر حال و هوای شعر سایه می‌اندازد.

۲۸

وقتی به تو پناه می‌آورم، ای جنگل

با برگ هایت جا پای خونینم را ببوشان،

مرهمی سبز بر زخم‌های من بگذار

و چون چشم فرو می‌بندم

با نسیم تطهیرم کن

چون دیگر بار چشم بگشایم

تورا خواهیم یافت

و تو بهشت موعود من خواهی بود

همدوش شعرهایی که در ستایش صلح سروده شده‌اند، اشعار ضد جنگ حسین لی، نظر خواننده را به خود جلب می‌کند و بی‌اغراق، می‌توان گفت که کل اشعار وی، ضمیری ضد جنگ دارد.

۱۹

شیاطین با زخمه‌های تبر

خواب شبانه را در چشمان تو کابوس می‌کنند

و تو پیش از آن که با ریشه هایت وداع بگویی

با پرندگانی که بر شاخسار تو

آشیانه ساخته‌اند

وداع خواهی کرد

تو دیگر آفتاب را نخواهی دید

ای درخت

۲۰

تورا تکه تکه

تو را قطعه قطعه

تو را ریز ریز می‌کنند

در کارخانه کبریت‌سازی

تو آتش می‌شوی

تا جنگلی را بسوزانی

۲۱

از تو چوبه‌داری بر پا می‌کنند

تا بی‌گناهی را بردار کنند

تو در خاک ریشه می‌کنی

شاخه‌ها و برگ‌ها کتمان می‌کنند

که چوبه‌دار بوده‌ای

به عنوان یک نکته حاشیه‌ای، توجه کنید که در شعر شماره ۱۹، حالت سقوط درختان - که ابتدا چتر و سپس تنه آن‌ها به زمین می‌افتد - چه شاعرانه توصیف شده است.

در پایان، می‌توان به پایان نیکی اشاره کرد که به باور حسین لی، پیروزی طبیعت مادر یا مادر طبیعت است. ما نیز همصدا با او می‌گوییم: ایدون باد؛ ایدون تر باد.

۳۳

خواب دیدم که نیستی

زمین برهنه بود و خشک

و گردبادی عظیم

همه چیز را به خود می‌کشید و می‌بلعید

با وحشت از خواب جستم

پنجره صبح را گشودم

و دیدم:

سبز و ستبر و مه آلود

در برابر توفان

ایستاده‌ای